

دکتر ابو تراب نقیسی  
استاد دانشگاه اصفهان



# طب سنتی ایران

## و گیاه درمانی!



در سالهای قبل مقالات جالبی از دانشمند محترم جناب آقای دکتر ابو تراب نقیسی درباره مسائل مختلف بهداشتی از دیدگاه اسلام در مجله مکتب اسلام چاپ کرده‌ام و با استقبال خوانندگان مارو برور شده‌است. اکنون فشرده بحثی را که ایشان چندی پیش بعنوان کنفرانس در دانشکده پزشکی دانشگاه آذربادگان (تبریز) ایراد کرده‌اند و جناب آقای دکتر اکبر فولادگر از تبریز برای ما فرستاده‌اند، از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- طب الرکاء (۱) یا فور کو لوریکت یا سه،  
یا طب عوام.  
اساس این طب بر روی مشاهدات و حیات مردم  
قرار گرفته است.

در زمان خیلی قدیم اولین بار اگر کسی دردی  
داشت، بر سر کوزه و برزن می‌نشست و از حایرین  
استمداد می‌کرد و اگر کسی در این مورد تجربه‌ای  
داشت، داروئی تجویز می‌کرد، که گاهی موثر واقع

موضوع سخن ما، طب سنتی ایران و گیاه درمانی  
است. طب سنتی که اخیراً معمول شده‌است و طب  
قدیم که قبلاً معمول بوده‌است درباره آن به بحث  
می‌پردازیم «Traditional Medicine» که تا  
حدودی برای جوانان که ممکنست اطلاهی از آن  
نداشته باشند، آگاهی حاصل شود.

نظری به طب قدیم ایران  
طب قدیم ایران طیبی است که از چند ریشه گرفته شده‌است:

۱- رکاء در لاتین بمعنی هوام آمده‌است

می‌شد، و گاهی هم نمی‌شد. و از آن روزگار، تاریخ مدونی دردست نیست

این یک ریشه که از عوام گرفته شده است.

## ۲- یادگیری از حیوانات

نقل می‌کنند که برای نخستین بار تنغیه را شخصی از کلاغ یاد گرفت بدین معنی که کلاغی که گلوله پنبه‌ای بلعیده بود (اغلب کلاغها اشیاء قیمتی یا غیر قیمتی را از منازل به منقار می‌گیرند و در جای دیگر می‌برند و مخفی می‌کنند) و این پنبه باعث بیوست و دل‌درد شده بود. کنار جوی آبی نشست و کلاغ دیگر با منقار به بدن آن آب فرو می‌برد تا اینکه آهسته آهسته پنبه بیرون آمد و کلاغ راحت شد.

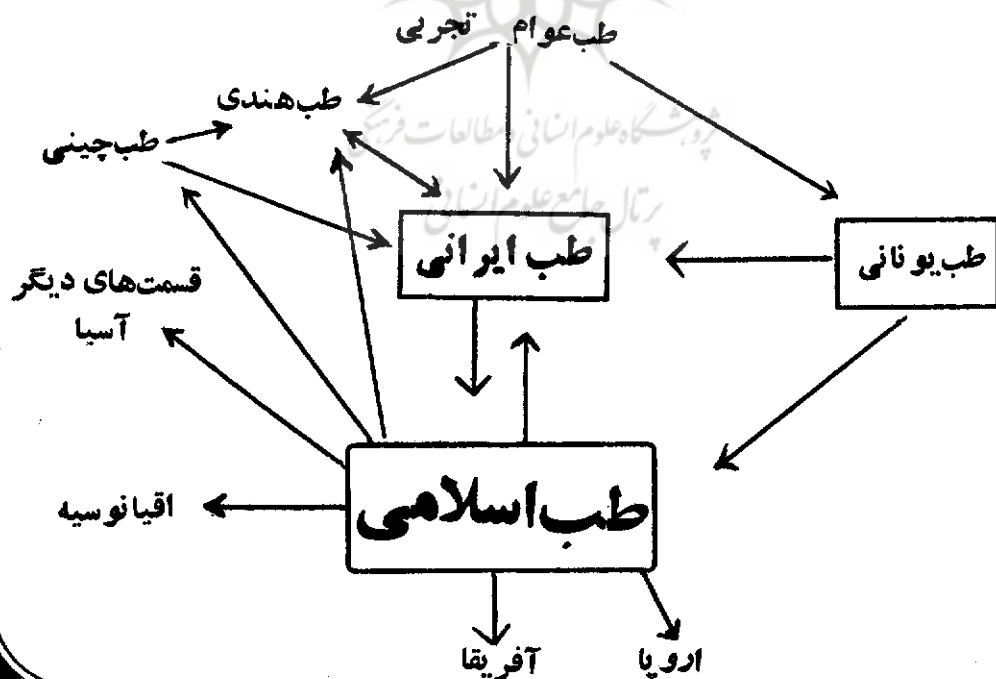
میدانیم گوسفندان بعضی گیاهان را نمی‌خورند (مثلا گیاه خرزهره) می‌توانیم بگوئیم اگر هم برای اولین مرتبه زبان آن‌را ندانسته و خورده‌اند، در طول

زمان بر اساس تجربه که به زبان آن پی برده‌اند از خوردن آن اجتناب می‌نمایند.

آنگاه انسان نیز یاد گرفت که نباید از گیاهانی که گوسفند نمی‌خورد، بخورد.

انسان هم از انسان دیگر یاد گرفت حتی خود این- جانب چندماه پیش از شخصی شنیدم که دردهای مفصلی جزئی را که جزء «روها تیسیم» یا «شبه‌روما تیسیم» یا ضربه‌ای و یا علت مشخصی از بیماری‌هایی بود که امروزتا بلوهای مشخص دارند، با چای سفید معالجه کرده من هم به بیماران تجویز کردم در نصف موارد تجویز، نتیجه گرفتم.

تصویر شماره ۱، نشان می‌دهد که تاجه اندازه اسلام در طب دنیا مخصوصا ایران اثر گذاشته و رابطه علمی بین ممالک مختلف جهان قرار گرفته است.



از آن جمله :

۱- «علی بن زین طبری» (۲۳۶ هـ ق) که معروفترین کتابش «فردوس الحکماء» است.

۲- «ابوبکر محمد زکریای رازی» که معروفترین کتابش «المهاوی» است.

۳- «علی بن عباس» صاحب کتاب «کامل-الصناعه» یا «کتاب الملکی»

۴- «ابوعلی سینا» که یکی از معروفترین تالیفاتش کتاب «قانون» است.

مسلمانان به تحصیل دانش علاقه شدید داشتند و این که می گویند: اعراب کتابخانه اسکندریه را سوزاندند امروز ثابت شده است که شایعه دروغی بیش نیست! زیرا یکی از دستوره‌های اسلام تحصیل علم و حفظ کتاب و کتابخانه است و به گواهی شواهد و قرائن تاریخی متعدد، اعراب هیچگاه چنین کاری نکرده‌اند.

۵- «خواجه رشیدالدین فضل الله» که یکی از بزرگان دانشمندان اسلامی در قرن هشتم هجری است و در ۱۲۴۷ میلادی در همدان متولد شده، و مورد توجه «آبا آقاخان مغول» و پزشک دربار او بود و جانشین آبا آقاخان یعنی قازان خان مغول، خواجهدرا وزیر خود کرد.

خواجهرشیدالدین فضل الله از همه امکانات موجود در راه ترویج علم و دانش و تاسیس بیمارستانها

در طب یونان قدیم جهان بینی وجود داشت و مسلمانها منتقل کننده طب قدیم یونان به سراسر دنیا بودند و نه تنها علاقمند به دریافت گنجینه‌های علمی گذشتگان بودند، بلکه خودشان هم صاحب نظر بودند و در آن تغییراتی میدادند.

طب اسلامی هسته بزرگ طب ایران بشمار می رود که آنها از طب یونان اقتباس شده و نه فقط طب اسلامی از یونان یاد گرفته شد بلکه تغییراتی هم در آن بوسیله مسلمانان داده شد. اروپائی‌ها طب یونانی را از راه طب اسلامی یاد گرفتند.

در طب اسلامی پزشکان نامی فراوانی بودند و طب اسلامی بخاطر خصوصیت اسلام که انسان را به سیر در آفاق و انفس ترغیب و تشویق نموده است (۱) و نیز به علت آنکه آئین اسلام آئین زندگی است و یکی از مسائل ضروری این زندگی بهداشت و طب است (۲) لذا در این راه موفقیت‌های چشمگیری پیدا کرده است.

فلاسفه قسطنطنیه از پیدایش دانشمندان مسلمان تعجب کردند زیرا همین مردم بودند که از دست جانشینان «جالینوس» و «بقراط» طب را آموختند و پس از پنج قرن که طب رو به نابودی می رفت از خاموش شدن آن جلوگیری کردند.

از سال ۲۰ هجری بزرگان و دانشمندان اسلامی بودند که مشعلداران طب اسلامی به شمار می آمدند

۱- سزیهیم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم ختی یتبین لهم انه الحق : (بزودی نشانه‌های خود را در آفاق (یعنی در بیرون وجود انسان و در محیط) و نیز در نفسهای ایشان (یعنی درون انسان) به آنان بنمایانیم تا آنکه روشن شود که او (خدا) بر حق است.

۲- چنانکه گفته اند: العلم علما ان علم الابدان و علم الادیان.

به لقب «رشید طبیب» بیشتر افتخار کرد تا به لقب: «وزیر قازان خان» و دوست میداشت مردم به او طبیب گویند، نویسنده وی «محمد اسوقونی» مجموعه خطی را که از خواجه گرد آورده بود، به «دکترسراها نوم شیدلر» در سفارت انگلیس تسلیم کرد و او این مجموعه را در اختیار مستشرق معروف انگلیسی «ادوارد برون» قرار داد «ادوارد برون» می نویسد: خواجه در نامه شماره ۱۸ خود برای بیمارستان «ربع رشید» از چین و هند درخواست روغن های مختلف، بایونه، مستکی، روغن کرچک و در نامه ۲۱ خود درخواست ۱۰۰ من تخم بادیان، سماووخ، اسطوقدوس و در نامه ۳۱ خود درخواست کتابهای نفیس و تعدادی قرآن مجید که بخط خوش نویسان نوشته شده بود، و شربت خوری چینی کرده بود، خواجه در نامه ۵۱ خود به پسرش «سعی الدین» از مشخصات ربع رشیدی (از کارگاهها، باغات، گرمابهها، آسیاها، کارخانهها) پرده برداشته و آنها را نام برده است. حال ببینیم «دانشگاه آذرآبادگان» چه حلقی از سلف خود خواهد بود!!

و مدارس، و تشویق طلاب علوم دینی و جلب دانش- پژوهان از اطراف و اکناف، استفاده کرده و در تبریز در محلی بنام «ربع رشید» تاسیسات بسیار مهم علمی پانمود. در کوجه علماء چهل خانه و در کوجه محصلین، هزارتن شاگرد گرد آورده بود ۲۰۰ نفر قاری قرآن با حقوق مکنفی مکلف بودند هر یک تا ۴۰ دستیار تربیت کنند. برای محصلین ۶۰ هزار کتاب نفیس و هزار جلد قرآن که بخط خوش نویسان نوشته شده بود گرد آورده بود و ۱۵۰۰ کارگاه و ۳۰۰ هزار خانه زیبا، باغات، گرمابهها، آسیاها و کارخانههای کاغذسازی و ضرابخانه، تاسیس کرده بود، پنجاه تن پزشک از چین و هند و سوره فراخوانده و در بیمارستان، جراح و چشم پزشک استخدام کرده بود، وزیر نظر هر یک از آنان پنج تن محصل، کارآموزی می کردند و برای آنان در «رشید آباد» تبریز، خانه تهیه شده بود. برای بیمارستان، هزار شربت خوری چینی درخواست کرده بود که نام هر شربت روی شیشه نوشته شده بود.

«خواجه رشیدالدین فضل الله» در تابستان سال

۷۱۸ هجری بدست مغولها، بقتل رسید، خواجه

بقیه از صفحه ۵۹

ثبات و بقاء بخود نخواهد گرفت.

ذیرا روشن است که زندگی همان انسان طبیعی که نظربه ساختمان ویژه خود ثابت و یکنواخت است، نظربه مقتضیات مکانی و زمانی پیوسته باحالت تحول و تکامل مواجه و با عوامل انقلابی و شرایط رنگارنگ زمان و مکان کاملاً دست بگریبان است. تدریجاً شکل خود را عوض نموده و بر محیط تازه منطبق می سازد.

این تغییر اوضاع، حتماً تغییر مقررات را ایجاب

می کند.  
در موارد همین قسم احکام و مقررات در اسلام، اصلی داریم که مادر این بحث از آن به نام «اختیارات والی» تعبیر می کنیم و این اصل است که در اسلام به احتیاجات قابل تغییر و تبدیل مردم در هر عصر و زمان و در هر منطقه پاسخ می دهد و بدون اینکه مقررات ثابت اسلام، دستخوش نسخ و ابطال شود، نیازمندیهای جامعه انسانی را نیز رفع می نماید» (۱)  
(بقیه را در شماره آینده مطالعه فرمائید)

۱- اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر ص ۵۰